

بررسی تطبیقی اشعار انگلیسی آغازین و پایانی جنگ جهانی اول بر اساس مفهوم هژمونی و ضد هژمونی

مهدی جاویدشاد*

تاریخ دریافت: ۹۷/۱/۲۰

امیر حسین نعمتی زیارتی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۳/۳۱

چکیده

پژوهش پیش رو دو گروه از شاعران جنگ جهانی اول ادبیات انگلیسی را بر اساس نظریات آنتونیو گرامشی مورد خوانش تطبیقی قرار می‌دهد. گروه اول، که دربرگیرنده چهره‌هایی همچون هنری نیوبولت، روپرت بروک، جسی پوپ، آلیس مینل، آلیو لیندسی و جان مک‌کری می‌شود را می‌توان شعرای وابسته به نظام حاکم نامید که در آغاز جنگ اشعاری موافق با جنگ می‌نوشتند و دسته دوم، که شامل نویسندگانی همچون زیگفرید سوسون، رابرت گریوز و ویلفرد اوزن می‌شود را می‌توان شعرای مخالف با سیاست‌های نظام حاکم خواند که در پایان جنگ اشعاری ضد جنگ می‌سرودند. با توجه به اینکه درونمایه‌های وطن، مذهب و مرگ از جمله شاخصه‌های اصلی نوشته‌های مربوط به جنگ است، این پژوهش به بررسی این درونمایه‌ها در قلم شاعران مد نظر می‌پردازد. در این راستا، تعاریف گرامشی از نخبگان و دسته‌بندی آن‌ها به سنتی و ارگانیک، و همچنین مفاهیم هژمونی و ضد هژمونی در درک هر چه بهتر خوانش مد نظر یاری می‌رسانند.

کلیدواژگان: شعر جنگ، گرامشی، شاعران سنتی، شاعران ارگانیک، مذهب.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات انگلیسی، بخش زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، شیراز.
javid@javidedu.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران.
ahnemati@ut.ac.ir

مقدمه

جنگ همانند هر پدیده‌ای دیگر، ادبیات خاص خود را تولید می‌کند و از طریق این ادبیات می‌توان به بنیادی‌ترین عواطف انسانی در تأیید یا تقابل با این واقعه دهشتناک پی برد. به منظور تأکید بر قدرت اشعار جنگ در انگیزش احساسات، جان استالورثی (Jon Stallworthy) در مقدمه «کتاب نوین شعر جنگ آکسفورد» (The New Oxford Book of War Poetry) اظهار می‌دارد که «وردزورث به ما یادآوری می‌کند که «شعر غلیان احساسات نیرومند است» و هیچ یک از تجارب بشری نمی‌تواند بیش از جنگ دامنه گسترده‌تری از احساسات نیرومند را تولید کرده باشد: ترس و امید؛ سرمستی و سرشکستگی؛ نفرت نه‌تنها نسبت به دشمن بلکه نسبت به فرماندهان، سیاستمداران، سودجویان جنگ؛ عشق نسبت به هم‌زمان، زنان و بچه‌های بی‌خانمان، وطن (اغلب اوقات) و آرمان (گهگاه)» (XXI). در حالی که تاریخ بشریت جنگ‌های گسترده‌ای را به خود دیده است، جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸) در انعکاس عواطف نزدیک‌ترین افراد به جنگ، یعنی سربازان، زبان‌زد بوده و همانطور که استوارت لی (Stuart Lee) اظهار می‌دارد، دلیل آن را می‌توان در سواد سربازانی جست‌وجو نمود که از طریق شعر به محیط خود واکنش نشان می‌دادند (Pieslak, 2009: 175). بنابراین، جنگ جهانی اول به عنوان «یکی از اتفاقات محوری قرن بیستم» (همان)، لحظات ثبت شده گسترده‌ای در ادبیات دارد که این اتفاق مرهون رشد سطح سواد در میان طبقه متوسط جامعه و ارتقای فرهنگ ابراز احساسات از طریق ادبیات بوده است. ادبیات برآمده از سربازان حاضر در جنگ، علاوه بر انعکاس سطح سواد و دانش ادبی جامعه، بیان‌گر بی‌واسطه‌شناعت‌های موجود در میداین نبرد و واکنش عموم مردم نسبت به آن نیز می‌باشد. این بدان معناست که ادبیات سربازان در تقابل با ادبیات حکومتی قرار می‌گیرد و در حالی که ادبیات متعهد، عمدتاً به قهرمان‌پروری و ایده‌آل‌سازی جنگ می‌پردازد، ادبیات سربازان به بازتاب و انتشار تصاویر واقع‌گرایانه مبادرت می‌ورزد. این تقابل، که یکی دیگر از خصوصیات بارز اشعار جنگ جهانی اول است، شاعران این دوره را به دو دسته تقسیم‌بندی می‌کند: دسته اول، شاعرانی که در آغاز جنگ، ابیاتی در ایده‌آل‌سازی جنگ می‌سرودند؛ دسته دوم، شاعرانی که در سال‌های پایانی جنگ، به تقبیح جنگ و

تصویرسازی‌های واقع‌گرایانه از آن می‌پرداختند. به عبارتی دیگر، در حالی که دسته اول شاعران، اشعاری در خدمت هژمونی حاکم می‌سرودند، دسته دوم در قامت ضد هژمونی ظاهر شدند.

پیشینه تحقیق

با وجود ظرفیت‌های بالای ادبیات جنگ جهانی اول در تاریخ ادبیات انگلیسی، توجه کافی به این گونه ادبی در تحقیقات فارسی نشده است. از جمله تحقیقات معدود می‌توان به مقاله «از ایده آلیسم تا رئالیسم: بررسی مقابله‌ای شعر مقاومت انگلستان در دو مکتب جورجی و مدرنیسم» نوشته مهدی جاوید و غفار برجساز اشاره نمود که در دوفصلنامه ادبیات دفاع مقدس دانشگاه شاهد به چاپ رسیده است. در این مقاله، نویسندگان با استفاده از رویکرد سبک‌شناسی، دو نمونه از اشعار سال‌های آغازین و پایانی جنگ تحت عناوین «سرباز» نوشته روپرت بروک و «شیرین است و افتخار آمیز» نوشته ویلفرد/اوون را در بافت مکاتب جورجی و مدرنیسم مورد خوانش فرمالیستی قرار می‌دهند و اثرات جنگ بر سبک نوشتار ادبیات مقاومت انگلستان را نقد و بررسی می‌کنند.

گرامشی، هژمونی و نخبگان

آنتونیو گرامشی (Antonio Gramsci / ۱۸۹۱-۱۹۳۷)، فیلسوف نئومارکسیستی ایتالیایی قرن بیستم، با اصطلاح هژمونی فرهنگی (cultural hegemony) شناخته می‌شود. این اصطلاح بدان معناست که حکومت و طبقه سرمایه‌دار برای حفظ قدرت خود در جوامع سرمایه‌داری عمدتاً از نهادهای فرهنگی بهره می‌برد. بنابراین در فرهنگ هژمونیک، ایدئولوژی مقدم بر خشونت و اجبار است، زیرا این فرهنگ از طریق اشاعه قواعد و هنجارهای خاص خود، خواستار نهادینه‌سازی ارزش‌های مشترک است تا از طریق جلب رضایت افراد تحت سلطه، وضعیت موجود نظام طبقاتی را تداوم بخشد. با توجه به اینکه هژمونی «رضایت ساختگی» است (Hunt, 2002: 460)، گرامشی آن را محصول تفکرات نخبگان در عرصه‌های عمومی، جایی که در آن‌ها تفکرات متضاد بیان می‌شود، می‌داند. به همین دلیل، چگونگی نقش‌آفرینی نخبگان در جهت‌دهی به احاد

جامعه یکی از دغدغه‌های مهم اوست. گرمشی نخبگان را به دو دسته تقسیم می‌کند: نخبگان سنتی و نخبگان ارگانیک. نخبگان سنتی صاحب منصبان و مدافعان نهادهای اجتماعی و فرهنگی موجود مانند مدارس، مذاهب، رسانه‌ها و نظام قضایی می‌باشند و مادامی که نویسندگان، هنرمندان و فلاسفه در چارچوب نهادهای رسمی به فعالیت بپردازند، نخبگان سنتی لقب می‌گیرند. در مقابل، نخبگان ارگانیک از دل شکل‌های اجتماعی یا طبقاتی که در ضدیت با نهادهای حاکم هستند، برمی‌آیند. آن‌ها مطالبات و آرمان‌های شکل‌هایی را بیان می‌کنند که اغلب به سکوت وا داشته شده است (Wilson and Hayes, 2009: 584). بنابراین، نخبگان ارگانیک صرفاً عقاید و مطالبات از پیش موجود را طوطی‌وار تکرار نمی‌کنند، بلکه آن چیزی که هنوز به رسمیت شناخته نشده است را به عرصه ظهور می‌رسانند (Leitch and Cain, 2010: 1000).

در ادامه گرمشی به این نتیجه می‌رسد که نخبگان نقشی محوری در تولید و بازتولید آنچه که او «ائتلاف تاریخی» («historic bloc») می‌نامد دارند. با ابداع عبارت «ائتلاف تاریخی»، گرمشی اعلام می‌دارد که گروه‌های اجتماعی در برهه‌های تاریخی خاص، یا اصطلاحاً تقاطع تاریخی، به وجود می‌آیند و توانمندی هر یک از ائتلاف‌ها در مداخله مؤثر در ساز و کارهای اجتماعی بستگی به قدرت نسبی دیگر ائتلاف‌ها در عرصه‌های اجتماعی دارد (همان). با توجه به اینکه مناقشه، رقابت و امتیازخواهی بخش‌های جدایی‌ناپذیر این عرصه‌ها هستند، «ائتلاف تاریخی» به دو شکل محافظه‌کار و انقلابی ممکن است پدیدار شود (Rupert, 1993: 81). «ائتلاف تاریخی» در شکل انقلابی خود می‌تواند به تولید ضد هژمونی (counter-hegemony) بپردازد که در این مسیر نخبگان ارگانیک با ایجاد ایدئولوژی جایگزین، ایدئولوژی طبقه سرمایه‌دار حاکم را می‌توانند به چالش بکشند.

شاعران سنتی و ارگانیک

طبق تعریف گرمشی از نخبگان، شاعران جنگ جهانی اول را می‌توان در دو دسته سنتی و ارگانیک جای داد. دسته اول، که در قالب گفتمان حاکم، اشعار موافق جنگ می‌سرودند و نتیجتاً تصاویر قهرمان‌پرورانه و رمانتیک از جنگ ارائه می‌کردند، در حالی

که دسته دوم، که در تقابل با گفتمان پیش از خود به وجود آمدند، چالشی برای ساختار ایده‌آل‌گرایانه قبل از خود بودند و در بزنگاه تاریخی سال‌های پایانی جنگ، تصاویر واقع‌گرایانه از جنگ را پدید می‌آوردند. به عبارتی دیگر، شاعران دسته دوم را می‌توان گروه‌های اجتماعی تقابلی نامید که در قالب یک «ائتلاف تاریخی» انقلابی، رسالت‌شان انعکاس مصائب طبقه سرباز بوده است. بنابراین، تولیدات ادبی شاعران سال‌های آغازین جنگ را می‌توان در راستای هژمونی نظام حاکم قلمداد نمود و آثار شعرای سال‌های پایانی جنگ را تولیداتی ضد هژمونی خواند. بررسی اشعار این دو گروه نشان می‌دهد که این مناقشه فرهنگی در سه حوزه کلان ملی‌گرایی، مذهب و مرگ قابل رصد و بررسی است. در حالی که شاعران سنتی این مفاهیم را آغشته به ارزش‌های حکومتی می‌کردند، شاعران ارگانیک آن‌ها را با معانی جدیدی که از زاویه دید ستمدیدگان بیان می‌شد، عرضه می‌نمودند.

شاعران سنتی و ملی‌گرایی

یکی از مضامین رایج در اشعار هژمونیک جنگ جهانی اول، ملی‌گرایی یا از خود گذشتن برای منافع جمعی ملی است. *الیزابت مارسلند* بعد ملی‌گرایانه را مهم‌ترین مشخصه شعر جنگ می‌نامد و اظهار می‌دارد که این گونه ادبی «پدیده‌ای تاریخی» است که زمینه تحقیق را برای جنبه‌های ملی‌گرایی فراهم می‌آورد و «مثالی روشن برای کارکردهای درهم‌تنیده نظام‌های ادبی و اجتماعی است» (30: 2012). *مارسلند* همچنین اشاره می‌کند که اشعار آغازین جنگ جهانی اول توسط نویسندگان برجسته به نگارش درآمدند، همسو با ارزش‌های زمانه بودند و با کمک سرعت خارق‌العاده انتشار از طریق روزنامه‌ها، به سرعت معیارهای وطن‌پرستانه خود را شناختند. بنابراین «این اشعار، بخشی از اخبار روزمره بودند و متقابلاً، اخبار بخشی از اشعار بود» (Marsland, 2012: 44-45).

پشتیبانی از اشعار ملی‌گرایانه توسط روزنامه‌ها، که ابزاری فرهنگی در دستان نظام حاکم‌اند، نشانی بر القاگری ارزش‌های طبقه متوسط از طریق ژانرهای عامه‌پسند است. از طریق اشعاری که به زبان ساده و برای عامه مردم نوشته می‌شدند، روزنامه‌های پرتیراژ به مردمان خود یادآور می‌شدند که وطن، ارجحیت بر هر چیز از جمله جان انسان دارد.

اهمیت روزنامه‌ها در القای این ارزش تا حدی بوده است که تنها یک روز پس از اعلان جنگ بریتانیا علیه آلمان در چهارم آگوست ۱۹۱۴، روزنامه تایمز (The Times) شعری از سِر هنری نیوبولت (Sir Henry Newbolt) با عنوان «شب‌زنده‌داری» («The Vigil») منتشر می‌کند (Paris: 2004: 43):

انگلستان: جایی که شعله سپنتا
در برابر ضریح نهان می‌سوزد،
جایی که لب‌هایی که عاشق نامت هستند
امیدهای تو و خودشان را ذکر می‌گویند،
جایی که درفش‌های فدائیان تو
سایه‌هایشان را بالای سرمان، در هم می‌آمیزند،
امشب، در معیت اسلحه خود، به آن‌ها بنگر
و دعا کن که پروردگار از حق دفاع کند

(Clapham, 1995: 58-59)

«شب‌زنده‌داری» مملو از توصیفات وطن‌پرستانه برای انگلستان است. شعر، با نام انگلستان آغاز می‌شود و با واژگان مثبت و متعالی همچون «ضریح»، «عاشق»، «امید»، «فدائیان»، «پروردگار» و «حق» همراه می‌شود. با توجه به اینکه این شعر، تنها ساعت‌ها پس از آغاز جنگ و به قلم نیوبولت با میزان بالا منتشر می‌شود، نشان از اهداف هژمونیک آن دارد. نیوبولت به عنوان یکی از محبوب‌ترین شاعران زمان خود، از مهم‌ترین چهره‌های متعهد به امپراتوری بریتانیا محسوب می‌شود که به پاس آثار وطن‌پرستانه افراطی‌اش، یک سال پس از آغاز جنگ، یعنی در سال ۱۹۱۵، نشان شوالیه را دریافت نمود و لقب سِر را از آن خود کرد (Krueger, 2014: 254).

همچنین از او به واسطه گزارش دولتی «آموزش انگلیسی در انگلستان» (۱۹۲۱)، به عنوان یکی از چهره‌های امپریالیسم فرهنگی بریتانیا نیز یاد می‌گردد (Eagleton, 2011: 25). در اثبات جایگاه حکومتی شعر نیوبولت و آثار مشابه، ذکر همین نکته بس که به هنگام جنگ، او به همراه حدوداً بیست‌وچهار نویسنده شاخص دیگر، به عضویت «اداره تبلیغات جنگ» درآمدند که هدف از آن اشاعه و حفظ نگاه مثبت به جنگ در میان عامه

مردم بود (Haste, 1995: 109). علاوه بر نویسندگانی که آگاهانه به تولید آثار هژمونیک می پرداختند، نویسندگانی از اقشار جامعه نیز وجود داشتند که آثار جهت‌دارشان مورد استقبال نظام حاکم در می آمد. روپرت بروک (Rupert Brooke) مثالی بارز از این گروه است که شعر «سرباز» ("The Soldier") (۱۹۱۴) او به سرعت به اثری بزرگ تبدیل شد: اگر قرار است که جانم را از دست دهم، تنها مرا اینگونه یاد کنید:

که گوشه‌ای از سرزمینی بیگانه

همیشه انگلستان خواهد بود. که در آن خاک غنی

غباری غنی تر پنهان است؛

غباری که انگلستان به آن جان داد، به آن شکل داد، به آن آگاهی بخشید،

و زمانی گل‌هایش را برای عشق ورزیدن، و جاده‌هایش را برای پرسه‌زدن ارزانی داشت،

جسمی از برای انگلستان، که هوایش را تنفس کرده،

که با رودخانه‌هایش منزه، و با آفتاب خانه مقدس شده

(Clapham, 1995: 18)

همانند «شب‌زنده‌داری»، ابیات آغازین شعر بروک مملو از واژگان مثبت و متعالی در کنار نام انگلستان است. تکرار واژه «انگلستان» در سراسر شعر، نشان‌گر سیاست ملی‌گرای شاعر در تولید اثر خود است. با توجه به اینکه شاعر جسم خود را از طریق طبیعت انگلستان توصیف می‌کند و آن را برخاسته از آن می‌داند، خود و خوانندگان خود را ملزم به فدا کردن جان برای انگلستان می‌کند. لازم به ذکر است که بروک، بر خلاف نیوپولت، ارتباط مستقیمی با نهادهای حکومتی ندارد. او صرفاً سرباز-شاعری است که شعری غنایی از برای وطن می‌نویسد. اما با توجه به اینکه قلم او همگام با سیاست‌های امپراتوری بریتانیا است، با تلاش چهره‌های برجسته‌ای همچون وینستون چرچیل (Winston Churchill)، هنری جیمز (Henry James) و والتر دلا میر (Walter de la Mare) سریعاً در دوره خود تبدیل به آیکون فرهنگی می‌گردد و نماد ایده‌آل شجاعت و مردانگی بریتانیا می‌شود (Krueger, 2014: 73). در این راستا، چرچیل، در مقام ارشد نیروی دریایی، این چنین به مدح مرگ بروک می‌پردازد: «او انتظار مرگ را می‌کشید؛ او

مشتاق مرگ برای انگلستان کهن و عزیز بود، کشوری که زیبایی و شکوه آن را می‌شناخت؛ و او با آرامش کامل به سمت مرگ حرکت کرد، با اعتقادی راسخ به حقانیت آرمان‌های کشورش و قلبی عاری از نفرت به هموطنانش» (Featherstone, 1995: 15).

علاوه بر نویسندگان حکومتی و سرباز- شاعران سال‌های آغازین جنگ، از جسی پوپ (*Jessie Pope*) می‌توان به عنوان یکی از معدود زنانی نام برد که آثاری در حمایت از جنگ می‌نوشتند. اشعار جنگ پوپ در *دیلی میل* (*The Daily Mail*)، روزنامه مشهور بریتانیایی، منتشر می‌شد و، همانطور که شعر «فراخوان» (*"The Call"*) (۱۹۱۵) نشان می‌دهد، با تشویق حضور در خدمت سربازی، جوانانی که به عضویت نیروهای نظامی در نمی‌آمدند را غیر مستقیم بزدل می‌خواند (Khan, 1988: 18). نکته قابل توجه در میان نوشته‌های پوپ، رگه‌های فمینیستی در شعر «دختران جنگ» (*"War Girls"*) (۱۹۱۶) به منظور تهییج زنان و دختران برای حضور در رزم است:

این همان دختر راننده‌ای است که یک ون سنگین را می‌راند،

این همان دختر قصابی است که استیک گوشت را برایتان می‌آورد،

این همان دختری است که به مانند یک مرد فریاد می‌زند «کرایه‌هاتون لطفاً!»

و دختری که با سوت خود تاکسی‌ها را در آن سوی خیابان نگه می‌دارد.

در زیر هر اونیفورم

قلبی رئوف و پرحرارت می‌تپد،

هرچند که از ذکاوت و لطافت طبع مادرانه چیزی کم ندارند؛

اما این اظهاری خطیر و جدی است،

آنان هیچ وقتی برای عشق ورزی و بوسه ندارند

تا زمانی که پسران سرباز خاکی‌پوش رژه‌کنان به خانه بازگردند

(Lee, 2005: 1)

در شعر پوپ، زنان در حال انجام کارهای مردانه‌اند، اتفاقی که در زمانه خود از آرزوهای جمعی زنان محسوب می‌شد. اما برابری زنان و مردان در این ابیات، با اولویت احقاق حق جنسیتی انجام نمی‌گیرد؛ بلکه هدف اصلی از آن ایجاد انگیزش برای خدمت به وطن است. در پایان، شاعر، هشدار جدی با ابعاد ملی‌گرایانه به دختران مد نظر خود

نیز می‌دهد: اینکه امیال زنانه خود را موقتاً به خاطر کشورشان کنار بگذارند تا از وظایف خود باز نمانند و تمرکز پسران خدمتگزار در جنگ را بر هم نزنند. در حالی که توصیه پوپ به تقابل با ذات انسانی را می‌توان ملی‌گرایی افراطی نامید، اما نباید فراموش کرد که زنان، فشار بسیار زیادی را هم از جانب دولت(به عنوان مثال با کمک پوستره‌های استخدام سرباز) و هم از جانب یکدیگر برای فرستادن مردانشان به میدان نبرد متحمل می‌شدند(Puissant, 2009: 103).

شاعران سنتی و مذهب

در حالی که ملی‌گرایی را می‌توان مضمون اصلی اشعار سنتی نامید، باید توجه داشت که درونمایه‌های دیگری نیز به استحکام و پشتیبانی از آن می‌پرداختند. در این راستا، مذهب را بدون شک می‌توان مهم‌ترین ابزار توجیه‌گر برای ایجاد همبستگی ملی نامید. گفتمان مذهبی، همانند تبلیغات جنگی دولت بریتانیا، مروج گفتمان «جنگ عادلانه» بود و حضور انگلستان در جنگ را نبرد خیر علیه شر قلمداد می‌کرد. به همین دلیل، بر مسیحیان واجب شد که پایه‌پای مردان خدا در نبرد الهی شرکت کنند. بر این اساس، آلمان، مظهر شر و کایزر ویلهلم دوم(Kaiser Wilhelm II) به منزله یک ضد مسیح که می‌بایست از صحنه روزگار محو شود تلقی می‌شد. بنابراین دیری نپایید که در گفتمان تبلیغاتی مسیحی، «جنگ عادلانه» جای خود را به «نبرد مقدس» داد. در نتیجه، عبارت «نبرد مقدس» به کرات در خطابه‌ها به کار گرفته شد و معیت انگلستان با مسیح در همراهی با اقدامات جنگی بریتانیا را خاطر نشان می‌کرد. در ششم سپتامبر ۱۹۱۴ آرتور وینینگتون-اینگرام(Arthur Winnington-Ingram)، اسقف لندن، خطابه‌ای با عنوان «نبرد مقدس» وعظ کرد، و در همان روز/چ. سی. بیچینگ(H. C. Beeching)، سرپرست کلیسای نورویچ، نیز اعلام کرد که زمین پس آلمان امت مسیحی محسوب نمی‌شود و نتیجتاً این نبرد، نبرد مسیح علیه ضد مسیح، و نبردی برای صلیب است(Puissant, 2009: 77). حمایت‌های کلیسا از محدوده هژمونی فراتر نیز رفت و کلیسای لادبریگاد، که یک تشکل جوانان در درون کلیسای انگلستان است، بیش از ۱۲۰۰۰۰ نوسرباز را برای ارتش بریتانیا تأمین کرد. لذا، علی‌رغم اینکه پیش از جنگ،

سکولاریسم در انگلستان رواج یافته بود، ماه‌های آغازین جنگ شاهد افزایش تعداد مراجعه‌کنندگان به کلیسا بود و این استقبال، امیدهای احیاء مذهب را افزایش می‌داد (همان: ۷۸).

نفوذ گفتمان مسیحی «نبرد مقدس» در اشعار جنگ به وضوح قابل رصد است. در اشعار سال‌های آغازین جنگ، مسیح نماد از خودگذشتگی را در خود دارد که سربازان با او تداعی می‌شوند. این تداعی کاربردهای بسیاری داشته که تقدس بخشی به حضور در میادین نبرد، توجیه حضور انگلستان در جنگ و تهییج سربازان به جان‌فشانی از جمله مهم‌ترین آن‌هاست. شعر «تابستان در انگلستان، ۱۹۱۴» (*Summer in England*, 1914) از آلیس مینل (*Alice Meynell*) که در سال ۱۹۱۴ در روزنامه تایمز به چاپ رسید، یکی از اولین اشعاری لقب گرفت که مسیح و سرباز را در کنار یکدیگر قرار داد (Khan, 1988: 50). این شعر که با توصیف زیبایی‌های تابستان در انگلستان آغاز می‌شود، ملی‌گرایی و مذهب را ترکیب می‌کند تا حقانیت حضور انگلستان در جنگ را توجیه نماید (همان). در نهایت، شعر مینل به انتقاد از افراد فدا نشده در راه وطن می‌پردازد و بشارت می‌دهد «سرباز در حال مرگ با یک بوسه جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کند،/ با بوسه خود مسیح» (همان). به همین منوال، آلیو لیندسی (*Olive Lindsay*) در شعر «آنچه ماه دید» (*What the Moon Saw*) (۱۹۱۶) سربازان را مستقیماً با نام مسیح خطاب می‌کند: «مسیح در میدان؟ بله، چندین و چند مسیح...» (همان: ۵۱). این مثال‌ها نشان می‌دهد که گفتمان مسیحیت در ادبیات سال‌های آغازین جنگ جهانی اول حضور داشته و با کمک آن به موافقت با جنگ می‌پرداخته است.

شاعران سنتی و مرگ

با توجه به اینکه یکی از مشخص‌ترین تداعی‌های جنگ، ترس از مرگ است، تصویرسازی مثبت و ایده‌آل از مرگ، بخشی از گفتمان تبلیغاتی جنگ جهانی اول بوده است. با توجه به سهم مهم ادبیات در گفتمان مذکور، گذر از ترس از مرگ به میل به مرگ را در اشعار شاعران سنتی به کرات می‌توان مشاهده نمود. همانطور که پیش‌تر نشان داده شد، در شعر «سرباز» بروک، جسم سرباز کشته شده در راه وطن با طبیعت

پیوند می‌خورد و چرچیل هوشمندانه بروک را «مشتاق مرگ برای انگلستان کهن و عزیز» می‌نامد. همین رویکرد در دیگر اشعار سال‌های آغازین جنگ نیز مشاهده می‌شود، که شعر «در دشت‌های فلاندرز» («In Flanders Fields») (۱۹۱۵) از جان مک‌کری (John McCrae) از شناخته‌شده‌ترین آن‌هاست:

در دشت‌های فلاندرز شقایق‌ها می‌شکفند
در میان صلیب‌ها، در ردیف‌هایی پی‌درپی
ما آن‌جا مدفونیم؛ و در آسمان
چکاوک‌ها، همچنان دلاورانه و پرشکوه سرود می‌خوانند، طیران می‌کنند
و صدایشان به سختی در میان شلیک مسلسل‌ها شنیده می‌شود.
ما مردگانیم. چند روز قبل
زنده بودیم، طلوع خورشید را درک می‌کردیم و غروب را نظاره می‌نمودیم،
عشق می‌ورزیدیم و دیگران نیز به ما عشق می‌ورزیدند، و هم‌اکنون چهره در نقاب
خاک گشوده‌ایم،
در دشت‌های فلاندرز.
نبردمان با دشمن را از سر گیرید:
به سویتان از جانب این دست‌های کوتاه از دنیا
مشعل را می‌فرستیم؛ از آن شما تا آن‌را برافراشید.
اگر تعهدی را که نسبت به ما مردگان دارید بشکنید
خواب و آرامش را تجربه نخواهیم کرد، اگرچه شقایق‌ها خواهند رویید
در دشت‌های فلاندرز

(Clapham, 1995: 48)

شعر مک‌کری از زبان سربازان کشته شده در راه وطن بیان می‌شود. این سبک روایت به خواننده القاء می‌کند که کشته‌شدگان جنگ همچنان هشیارند و از دنیای دیگر ناظر بر اعمال انسان‌های زنده هستند. این بدان معناست که از نظر مک‌کری، کشته شدن در راه وطن به معنای فنا و نیستی نیست، بلکه حضوری زیبا در دل طبیعت است. همانند بروک، مک‌کری جسم سرباز را با طبیعت تداعی می‌کند و آن را بازگشت به

طبیعتی می‌داند که از دل آن برآمده است. از طرفی دیگر، همانند شعر بروک، شعر مک کری وصیتنامه‌ای در خود دارد که از سربازان در حال رزم می‌خواهد که مردن در راه وطن را همانند طبیعت زیبا ببینند. در حالی که بروک با تصویرسازی مثبت از مرگ، غیر مستقیم خوانندگان خود را موظف به جبران خدمات واصله از وطن می‌کند، مک کری مستقیماً مخاطبین خود را به مبارزه سوق می‌دهد و تهدید می‌کند که اگر تعهد به مردگان از یاد رود، آرامش خاطرشان از بین خواهد رفت. در واقع، همنشینی مرگ و خدمت به وطن در اشعار بروک و مک کری به این معناست که مرگ بخش جدایی‌ناپذیر ملی‌گرایی است و به همین دلیل، مرگ زیبایی‌های وصف‌ناشدنی همچون طبیعت دارد.

شاعران ارگانیک و ملی‌گرایی

هرچه جنگ جهانی اول به روزهای پایانی خود نزدیک‌تر می‌شد، تردیدها نسبت به ذات مقدس و ملی‌گرایانه آن فزونی می‌یافت. این روند در دید عامه مردم نسبت به اشعار و شاعران جنگ نیز تأثیرگذار بود. به عنوان مثال، در حالی که بروک در آغاز جنگ نماد یک سرباز ایده‌آل را به خود می‌گیرد، در دوران پایانی جنگ، هنگامی که این کارزار بزرگ به نبردی خون‌خوارانه و تماماً غافلگیرکننده تبدیل می‌شود، اشعار وطن‌پرستانه و جنگ‌طلبانه وی رنگ و لعاب پوچی به خود می‌گیرند و نتیجتاً عموم مردم علاقه خود را نسبت به آن‌ها از دست می‌دهند و حتی به آن آثار نیز می‌تازند. این نگاه منفی تا به آنجا می‌رسد که در برهه‌ای از زمان از بروک به عنوان مجرمی یاد می‌شود که اطاعت کورکورانه و ناخواسته‌اش از سیاسیون، به معنای معاونت در قتل عام یک نسل بوده است (Krueger, 2014: 54). در میان تردیدهای موجود، گفتمانی تقابلی در میان شاعران جنگ شکل می‌گیرد که رسالت اصلی آن تضعیف تبلیغات حکومتی از طریق بیان واقعیت‌های موجود در سنگرهای نبرد است. با توجه به اینکه گفتمان ادبی سال‌های پایانی جنگ، نقش مقاومتی در برابر هژمونی حاکم را بر عهده دارد، از آن می‌توان به عنوان ضد هژمونی نام برد و نویسندگان آن را ارگانیک نامید. در این راستا، یکی از مشخصات اصلی گفتمان جدید، چرخش در زاویه دید است، بدان معنی که دیگر، زاویه دید حکومتی نسبت به سرباز درباره سرباز نمی‌نویسد، بلکه سرباز است که درباره سرباز

می‌نویسد. جهت درک بهتر این رویکرد ضد هژمونی، بیانیه زیگفرید سوسون (*Siegfried Sassoon*)، سرباز- شاعر سال‌های پایانی جنگ، می‌تواند مثالی روشن‌گر باشد:

«این بیانیه را به منزله یک تخطی تعمدانه از فرامین مقامات نظامی صادر می‌کنم، چراکه اعتقاد دارم افرادی که توانایی و اختیار پایان بخشیدن به جنگ را دارند، آگاهانه آن را به درازا می‌کشانند. من یک سربازم و اطمینان دارم که این کار را به نمایندگی از سربازان انجام می‌دهم. باور دارم این جنگ که در ابتدا به عنوان نبردی به منظور دفاع و آزادسازی پا به میدان آن گذاشتم اکنون تبدیل به جنگی با اهداف تهاجم و کشورگشایی شده است. معتقدم آرمان و هدفی که باعث شد من و هم‌زمانم پا به میدان این جنگ بگذاریم می‌بایستی به طور بسیار واضحی بیان می‌شد تا بلکه امکان تغییر دادنشان وجود نداشت، و اینکه اگر این امر محقق می‌شد، اهدافی که باعث انگیزش ما می‌شد هم اکنون از طریق مذاکره قابل دستیابی بودند. مصائب سربازان را دیده و تحمل کرده‌ام، و دیگر بیش از این نمی‌توانم در به درازا کشانده شدن این مصائب که اهدافی شوم و ستمگرانه دارند شریک باشم. من مدیریت جنگ را بازخواست نمی‌کنم، بلکه اعتراضاتم متوجه ریاکاری‌ها و خطاهای سیاسی است که به خاطر آن‌ها مردان مبارز در حال فدا شدن هستند. این اعتراضات را از طرف آن‌هایی بیان می‌کنم که هم اکنون به خاطر فریب‌کاری‌ها، متحمل رنج‌اند؛ همچنین، اعتقاد دارم که شاید بتوانم در نابودی خودبینی بی‌رحمانه‌ای که اغلب آن‌هایی که در خانه‌هایشان به منزله تدبیر برای آلام جانکاه تلقی می‌کنند کمک کرده باشم، آلامی که چنین افرادی نه آن‌را درمی‌یابند و نه تخیل کافی برای متصور شدنش را دارند» (Anselmo, 2014: 15).

بیانیه سوسون، که در سال ۱۹۱۷ نوشته شد، مشخصاً به مخاطبین خود هشدار می‌دهد که از دام ابزارهای تبلیغات حکومتی رها شوند و «مصائب سربازان» را بر اساس واقعیات موجود ببینند. این دعوت به معنای در هم شکستن ملی‌گرایی کورکورانه، که میراث بزرگ هژمونی «اداره تبلیغات جنگ» است، می‌باشد. همانند تبلیغات حکومتی،

سوسون هوشمندانه عامه مردم را هدف قرار می‌دهد، اما مسیری کاملاً متضاد با آن‌ها را در پیش می‌گیرد. در حالی که تبلیغات حکومتی از واقعیات جنگ طفره می‌رفتند و جنگ را با چاشنی توهم و دروغ در هم می‌آمیختند، سوسون و دیگر شعرای سال‌های پایانی جنگ، به توهم‌زدایی از دیدگان عامه مردم مشغول بودند. به عنوان مثال، در شعر «خودکشی در سنگرها» (“Suicide in the Trenches”) (۱۹۱۸)، سوسون قویاً به تقبیح مردمان متأثر از تبلیغات حکومتی می‌رود:

شما ای جماعت خودپسند، با چشمان آتش‌افروز

که از رژه بچه سربازان به وجد می‌آید

آرام به خانه‌های تان روید و دعا کنید

تا از جهنمی که خنده و جوان به آن می‌روند، باخبر نشوید

(Clapham, 1995: 102)

در شعر سوسون و اشعار مشابه، ملی‌گرایی کاذب جای خود را به واقع‌بینی می‌دهد و اثر ادبی در قامت ضد هژمونی ظاهر می‌شود. با توجه به اینکه هدفمندی و تعلیم از مشخصه‌های بارز ادبیات مقاومت هستند (فدوی، باوان و لریستانی، ۱۳۹۶: ۷۳)، شعر سوسون با هدف آگاه‌سازی عامه مردم نوشته می‌شود. سوسون معتقد است که «وجد» عامه مردم متأثر از هژمونی غالب است و جنگ از «چشمان آتش‌افروز» عوام آغاز می‌شود. در واقع، در باور او، راه پایان بخشیدن به جنگ از تغییر در نگاه مردم می‌گذرد. در اقدامی ضد ملی‌گرایانه، این مبارزه ضد هژمونی، بعدی جهانی به خود می‌گیرد و جنگ جهانی اول به جنگی برای پایان بخشیدن به تمامی جنگ‌ها تبدیل می‌شود (Small, et al., 2001: 791). در نتیجه، بر خلاف اشعار مبلغ جنگ، اسامی خاص همچون انگلستان، به ندرت در اشعار ضد جنگ مشاهده می‌شود. مثال بارز، شعر «یادآوری جنگ» (“Recalling War”) (۱۹۳۸) نوشته رابرت گریوز (Robert Graves) است که با آنکه بیست سال پس از پایان جنگ جهانی اول نوشته شده، مرزبندی‌ها نسبت به جنگ را از میان برمی‌دارد:

پس این جنگ چه بود؟ صرفاً نزاع پرچم‌ها نبود

بلکه متعفن کردن آسمان بشریت بود

آسمانی که نکبت بار بر فراز زمین معلق بود
حتی در می، بهاری‌ترین ماه بهار

(Butake, 2013: 139-40)

در این شعر، گریوز جنگ جهانی را به خاطر می‌آورد، اما آن را صرفاً متعلق به چند کشور نمی‌داند و اثرات آن را جهانی می‌خواند. در ادامه، گریوز نگرانی خود از احتمال فراموشی شناخت‌های جنگ را ابراز می‌کند: «و ما روی خوش سلاح‌ها را به یاد می‌آوریم/ که دیوارهای کارخانه‌ها و کلیساها را مزمره کردند» (همان). نهایتاً او تلویحاً خواستار پایان دادن به تمامی جنگ‌های محتمل آینده است که از «تصورات دروغین نسبت به یأس» (همان) برمی‌آیند.

شاعران ارگانیک و مذهب

همانطور که پیش‌تر ذکر شد، گفتمان مذهبی همگام با تبلیغات حکومتی به تشویق دفاع از حقانیت که همانا دفاع از وطن در مقابل دشمنان بود می‌پرداخت. عبارت «نبرد مقدس» گفتمان حقانیت بریتانیا در مقابل ارتداد ژرمن‌ها را ایجاد نمود و تبلیغات مسیحی را در راستای خواسته‌های سیاسی قرار داد. اما با بدبینی‌های فزاینده نسبت به شعار دفاع از وطن، که جای خود را به کشورگشایی و امپریالیسم داده بود، کارکردهای سیاسی تبلیغات مسیحی نیز بیش‌تر و بیش‌تر در معرض دید قرار می‌گرفت. برای سربازان، دستاورد غیرقابل‌انکار سال‌های دهشتناک جنگ، تزلزل عقاید و باورهای دینی بود. ویلفرد اوون (Wilfred Owen)، شاعر ضد جنگ انگلیسی که در بیست‌وپنج سالگی، یک هفته قبل از اتمام جنگ، جان خود را در سنگرها از دست داد، از برجسته‌ترین شاعرانی است که ایمان مسیحی خود را در طی تجربیات جنگی از دست رفته دید (McLeod, 2006: 582). این تزلزل عقیدتی در اشعار سرباز- شاعران سال‌های پایانی جنگ نیز منعکس می‌شود که شعر «آن‌ها» ("They") (۱۹۱۷) از سوسون نمونه‌ای بارز است:

اسقف به ما می‌گوید: «هنگامی که بچه‌ها باز می‌گردند
آن‌ها همانگونه نخواهند بود؛ چون آن‌ها جنگیده‌اند
برای آرمانی بلند: آن‌ها رهبر آخرین حمله‌اند

علیه ضد مسیح؛ خون یاران شان
حقی نو بر ایجاد نسلی سربلند ایجاد نموده.
آن‌ها به نبرد مرگ رفته و آن را رو در رو به مبارزه طلبیده‌اند.
بچه‌ها در پاسخ می‌گویند، «هیچ یک از ما همانگونه نیستیم!»
«جورج هر دو پایش را از دست داده؛ و بیل کاملاً نابیناست؛
جیم بینوا از ریه تیر خورده و ممکن است بمیرد؛
و برت دچار سفلیس شده: تو نخواهی یافت
جوانی را که خدمت کرده و چند تغییری نکرده باشد.»
و اسقف گفت: «مشیت الهی بر ما پوشیده است!»

(Clapham, 1995: 94)

شعر سوسون از دو قسمت تشکیل شده است. شش بیت ابتدایی متشکل از گفتمان تبلیغاتی مسیحی است که آرمان‌گرا و توجیه‌گر است و پنج بیت متعاقب، پاسخ سربازان از زاویه واقعیات موجود در سنگرها بدان است. در حالی که بحث اصلی هر دو گروه بر سر تغییر است، اسقف آن را در معنویت می‌جوید و سربازان آن را در مادیات می‌یابند. در نهایت، سوسون، طعنه‌آمیز، پیروزی گفتمان مسیحیت را به تصویر می‌کشد که از طریق ارجاع به «مشیت الهی»، از واقعیتهای موجود طفره می‌رود.

شاعران ارگانیک و مرگ

به منظور مقابله با تصویرسازی‌های مثبت از مرگ در نوشته‌های شاعران سنتی، شاعران سال‌های پایانی جنگ، مرگ را بر اساس آنچه که در سنگرها می‌دیدند، تصویر می‌کردند. به همین دلیل، تشبیهات و استعاره‌های توصیف‌گر مرگ از فضای آرامبخش طبیعت به فضای بی‌رحمانه جنگ منتقل شدند. همچنین در اشعار ضد جنگ، میل به مرگ موجود در اشعار موافق جنگ، جای خود را به فرار از مرگ داد. با توجه به افول ملی‌گرایی و مذهب در طول جنگ طاقت‌فرسا، فقدان انگیزه برای جان‌فشانی در میادین نبرد امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌آید. به همین دلیل، تصاویر تلخ میل به حیات، به بخشی از رویکرد ضد هژمونی شاعران ارگانیک تبدیل می‌شود.

در شعر «شیرین است و افتخار آمیز» (“Dulce et Decorum es”) (۱۹۲۰)، اوون لحظه‌ای را توصیف می‌کند که به علت انفجار بمب شیمیایی، سربازان ماسک‌های ضد شیمیایی را در سر می‌کنند:

شیمیایی! شیمیایی! سریع‌تر بچه‌ها! - شور دست‌های جست‌وجوگر
تا اینکه ماسک‌های بدقواره را به موقع در سر کنند؛
اما یک نفر همچنان نعره می‌زد و لنگان به پیش می‌رفت،
و مانند انسانی در آتش یا آهک دست و پا می‌زد.-
از قاب‌های تار و مه‌آلود و نور سبز تیره،
گویی به زیر دریایی سبز، غرق شدنش را نظاره کردم

(Clapham, 1995: 64)

سرباز مد نظر/اوون، زندگی را جست‌وجو می‌کند و جان‌فشانی برای وطن، آرمان او نیست. مرگ او بی‌واسطه از طریق هم‌رزم‌اش روایت می‌شود، نه از زبان کسانی که در خانه یا در «اداره تبلیغات جنگ» به آرمان‌گرایی حوادث جنگی می‌پردازند. بنابراین، مرگ او هیچ ارتباطی با طبیعت زیبای انگلستان یا هر مکان دیگری ندارد و به بدترین شکل ممکن توصیف می‌شود:

در تمامی رؤیاهایم، در مقابل چشمان بی‌اختیارم،
او با دستانی به سوی من به پایین می‌رود
سوسوکنان، نفس‌نفس‌زنان، و غرق می‌شود.
اگر در رؤیایی دلگیر، تو هم با ما همگام شوی
و به پشت واگنی که او را انداختیم بیایی،
و نظاره‌گر چشمان سفیدی شوی که در صورت‌اش به خود می‌پیچیند،
صورت مرگ‌آلودش، همانند شیطانی دلزده از گناه؛
اگر با تمام وجود، صدای خونی را می‌شنیدی
که غرغره‌کنان از ریه‌های کف کرده‌اش بیرون می‌زد،
منزجرکننده مثل سرطان، تلخ همانند نشخوار رذالت،
زخم‌هایی لاعلاج بر زبان‌های بی‌گناه،

دوست من، آن گاه با چنین شور و حرارتی
به کودکان مشتاق به افتخاری یأس آور،
دروغ قدیمی را نمی گفتی: مردن در راه وطنات
شیرین است و افتخار آمیز

(همان)

متکلم شعر از رؤیاهای خود سخن می گوید، اما رؤیاهای او یادآوری تصاویر زیبا و متعالی از جنگ و مرگ نیست؛ بلکه، باز بیانی وفادارانه و واقع گرایانه از حوادث سنگرها است که با جزئیات تمام برای خوانندگان روایت می شود. وجود توصیفات فراوان و مصور در طول شعر با هدف تغییر نگاه هژمونی آلود جامعه انگلستان انجام می پذیرد، جامعه ای که از فیلتر عناصری همچون «اداره تبلیغات جنگ» به حوادث می نگرد. در انتها، اوون اشاره به عبارت هژمونیک هوراس، شاعر روم باستان، می کند و آن را دروغی بزرگ برای نسل های گذشته و آینده می خواند. با توجه به اینکه عبارت هوراس بخشی از گفتمان تبلیغاتی بریتانیا در چندین جنگ بوده است (Grafton, et al., 2010: 286)، واکنش واقع گرایانه اوون اقدامی ضد هژمونیک نسبت به آرمان گرایی آن ها تلقی می شود. نکته قابل تأمل درباره این شعر این است که اوون پیش نویس آن را به جسی پوپ تقدیم کرد تا اعتراض نسل خود به ملی گرایی افراطی او و هم دوره هایش را ابراز کند (Potter, 2017: 97). این تقدیم طعنه آمیز نشان از اقدامات عامدانه شاعران سال های پایانی جنگ در تولید آثار ضد هژمونی دارد.

نتیجه بحث

جنگ جهانی اول دو گروه متناقض از شاعران را در ادبیات انگلیسی پدید آورد که طبقه بندی نخبگان در دستگاه فلسفی گر/مشی به دو دسته سنتی و ارگانیک می تواند آن ها را به بهترین نحو تعریف کند. شاعران سال های آغازین جنگ، در نقش نخبگان سنتی، همگام با گفتمان سیاسی موافق جنگ شعر می سرودند، تصاویری آرمان گرایانه از وطن و مرگ ارائه می نمودند و از گفتمان مذهبی به عنوان پشتوانه ای محکم برای اهداف خود بهره می بردند. در مقابل، شاعران سال های پایانی جنگ در نقش نخبگان ارگانیک،

گفتمانی متضاد با تبلیغات حکومتی از جنگ را ایجاد نمودند و تصاویر متعالی از وطن، مرگ، و گفتمان پشتوانه آن‌ها، یعنی مذهب، را دستخوش تغییرات بنیادین نمودند و بر اساس واقعیات موجود، آن‌ها را ارائه نمودند. این تقابل گفتمانی از چرخشی در زاویه دید روایت نشأت می‌گیرد. شاعران سنتی از زاویه دید و امیال امپریالیسم بریتانیا به حوادث جنگ می‌نگریستند و شاعران ارگانیک از زاویه دید و مصائب سربازان در حال رزم آن‌ها را بازگو می‌کردند. این نگاه متفاوت ناشی از فرسایشی شدن جنگ و بدبینی سربازان به آرمان دفاع از وطن بود که به تدریج جای خود را به کشورگشایی و امپریالیسم می‌داد. با این اوصاف، اشعار سال‌های آغازین جنگ را می‌توان اشعاری هژمونیک، و اشعار سال‌های پایانی را می‌توان اشعاری ضد هژمونی نامید. آنچه که در این دسته‌بندی حائز اهمیت است، محوریت خواننده در نظر شاعران است. درحالی‌که اشعار هژمونیک خواستار القای آرمان‌گرایی در ذهن مخاطبین خود هستند، اشعار ضد هژمونی مکرراً از طریق آرمان‌زدایی، دریچه ذهن مخاطبین خود را به سوی واقعیات تلخ جنگ سوق می‌دهند و آن‌ها را از ستایش جنگ باز می‌دارند.

کتابنامه

کتاب انگلیسی

- Anselmo, A., 2014. *Twentieth Century Poets: A Selection with Notes*. Milan: EDUCatt-Ente per il diritto allo studio universitario dell'Università Cattolica.
- Butake, B., (Ed.), 2013. *Cameroon Anthology of Poetry*. Bamenda: Langaa RPCIG.
- Clapham, M., (Ed.), 1995. *The Wordsworth Book of First World War Poetry*. Kent: Wordsworth Editions.
- Eagleton, T., 1983. *Literary Theory: An Introduction, Anniversary Edition*. Hoboken: John Wiley & Sons.
- Grafton, A., Most, G. W. & Settis, S., 2010. *The Classical Tradition*. Cambridge and London: Belknap Press of Harvard University Press.
- Haste, C., 1995. "The machinery of propaganda." *Propaganda*, Ed. Robert Jackall. New York: NYU Press. pp. 105-136.
- Hunt, G., 2002. "Gramsci, Civil Society, and Bureaucracy." *Antonio Gramsci: Marxism, philosophy and politics, Volume 2*, Ed. James Martin. London and New York: Routledge. pp. 450-465.
- Khan, N., 1988. *Women's Poetry of the First World War*. Lexington: University Press of Kentucky.
- Krueger, C. L., 2014. *Encyclopedia of British Writers, 19th and 20th Centuries*. New York: Infobase Publishing.
- Lee, J., 2005. *War Girls: The First Aid Nursing Yeomanry in the Great War*. Manchester: Manchester UP.
- Leitch, V. B., and Cain, W. E. (Eds.), 2010. *The Norton Anthology of Theory and Criticism*. New York: Norton.
- Marsland, E. A., 2012. *The Nation's Cause: French, English and German Poetry of the First World War*. New York: Routledge.
- McLeod, H., (Ed.), 2006. *The Cambridge History of Christianity: Volume 9, World Christianities C. 1914-c. 2000*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Paris, M., 2004. *Over the Top: The Great War and Juvenile Literature in Britain*. London: Greenwood Publishing Group.
- Pieslak, J. R., 2009. *Sound Targets: American Soldiers and Music in the Iraq War*. Bloomington: Indiana University Press.
- Potter, J., 2017. "'A Certain Poetess': Recuperating Jessie Pope (1868-1941)." *Landscapes and Voices of the Great War*, Eds. Smith and Cowman. New York and London: Routledge. pp. 97-114.
- Puissant, S., 2009. *Irony and the Poetry of the First World War*. London: Palgrave Macmillan, 2009.
- Rupert, M., 1993. "Alienation, capitalism and the inter-state system: toward a Marxian/Gramscian critique." *Gramsci, Historical Materialism and International Relations*, Ed. Stephen Gill. Cambridge: Cambridge University Press. 1993. 67-93.
- Small, S., Westwell, I. & Westwood, J., 2001. *History of World War I*. New York: Marshall Cavendish.
- Stallworthy, J. (ed.), 2014. *The New Oxford Book of War Poetry*. Oxford: Oxford University Press.
- Wilson, A. L., and Hayes, E., (Eds.), 2009. *Handbook of Adult and Continuing Education*. San Francisco: Jossey-Bass.

مقالات

جاویدشاد، م و غ برجساز. ۱۳۹۶ش، «از ایده آلیسم تا رئالیسم: بررسی مقابله‌ای شعر مقاومت انگلستان در دو مکتب جورجی و مدرنیسم»، دوفصلنامه ادبیات دفاع مقدس، ۱(۱)، صص ۴۳-۵۴.
فدوی، ط و م باوان پوری و ن لرستانی. ۱۳۹۶ش، «مقایسه جلوه‌های ادبیات مقاومت در شعر علی فوده و فرخی یزدی»، فصلنامه مطالعات ادبیات تطبیقی، ۱۱(۴۴)، صص ۷۱-۱۰۱.

